خبر کوتاه

کی‌روش و برانکو دوباره به ایران برمی‌گردند؟

آرتین زهرایی

برانکو ایوانکوویچ در مصاحبه با یکی از روزنامه های ایران گفت: علاقه زیادی به فوتبال ایران دارم اما الان تحت قرارداد فدراسیون فوتبال عمان هستم ولی این را می‌دانم به زودی به فوتبال ایران برمی‌گردم و دوباره کارم را در آنجا شروع خواهم کرد.

برانکو در پرسپولیس یک مربی رویایی بود و پیشتر در تیم ملی ایران نیز نتایج خوبی گرفته بود. او کاربلد بودنش را در ادوار مختلف نشان داد؛ به ویژه او وقتی در ایران مربیگری می‌کند، تازه جذابیت‌هایش را نشان می‌دهد.

برانکو در هیچ کجا به اندازه فوتبال ایران موفق نبود؛ مگر اینکه این بار در عمان نتایج عجیبی بگیرد؛ تیمی که در سال‌های گذشته بسیار کار کرده و امیدوار است میان کشورهای خلیج حوزه خلیج فارس، به تیمی صاحب سبک تبدیل شود.

مسئله اما این است که منهای برانکو، کارلوس کی‌روش هم در فوتبال ایران چهره‌ای به شدت تاثیرگذار بود. دو مربی خوب و صاحب سبک تا همین چندی پیش در ایران مربیگری می‌کردند که بودن‌شان مایه قوت قلب بود.

فدراسیون فوتبال که امروز به دلیل مشکلات مالی سراغ اسکوچیچ رفت اگر قادر به پرداخت حق و حقوق برانکو بود و باشگاه پرسپولیس هم به لحاظ مالی، تپه‌های میلیون دلاری ایجاد نمی‌کرد بی‌شک پس از کی‌روش، امروز ایوانکوویچ سرمربی تیم ملی بود و ما با خیال آسوده‌تر در رقابت‌های انتخابی جام جهانی به میدان می‌رفتیم.

این علاقه قلبی برانکو به فوتبال ما و اعتراف او مبنی بر بازگشت دوباره به ایران می‌تواند همان سوال تکراری مخاطبان فوتبال درباره بازگشت احتمالی کارلوس کی‌روش به اینجا باشد اما این سوالی است که نه تنها ما، بلکه حتی مسئولان فعلی فوتبال ایران هم پاسخش را نمی‌دانند.

همه چیز بستگی به شرایط، گذشت زمان، وضعیت مالی و اعتباری فوتبال ما و همچنین سن و سال این مربیان دارد. معلوم نیست چقدر باید زمان بگذرد تا دوباره یادی از کی‌روش و برانکو کنیم و هر دو مربی را به ایران برگردانیم.

در قراردادهای این مربیان با فدراسیون‌های کلمبیا و عمان البته امکان دارد با چند نتیجه غیرقابل پیش‌بینی تغییراتی حاصل شود؛ شاید شرایط آنقدر خوب بود که دوباره فرصتی ایجاد شد تا از فضای مالیخولیایی فعلی فوتبال به روزهای خوبی که با این مربیان تجربه کردیم پرتاب شویم.

آینده همیشه نامعلوم است و متاسفانه به دلیل وضعیت بغرنج فوتبال ایران، آینده همیشه در اینجا نامعلوم‌تر بوده؛ هیچ کس جواب این سوالات را نمی‌داند اما اگر از تمایل طرف مقابل می‌خواهید بدانید باید بگوییم هر دو مربی دوست دارند روزی برگردند؛ به این واقعیت عینی، هم برانکو اعتراف کرده و هم کی‌روش هر بار سخن از فوتبال ایران به میان آمده از لبخندش پیداست که دلش برای همه آن روزها تنگ شده است.

معجزه فوتبالی در نساجی

مربیگری نساجی پیش از محمود فکری به چند مربی دیگر هم پیشنهاد شده بود؛ آن‌ها این پیشنهاد را قبول نکردند، چون قرعه نساجی قرعه سختی بود و در بیشتر بازی‌های ۱۰ هفته پایانی باید با تیم‌های مدعی قهرمانی و نایب‌قهرمانی مبارزه می‌کرد. اکنون ۸ هفته سپری شده و نساجی با هدایت محمود فکری در این ۸ هفته ۱۶ امتیاز کسب کرده و در هیچ بازی نباخته؛ معدل ۲ امتیاز از هر بازی برای تیمی است که داعیه قهرمانی دارد نه نساجی که به نظر می‌رسد هدفش از حضور در این فصل از بازی‌ها دستیابی به جایگاه شایسته بود. البته بعد از امتیازاتی که با رضا مهاجری از دست داد به ماندن هم قانع شد.

در نساجی معجزه رخ داده که این چنین نتیجه گرفته؟ به نظر می‌رسد معجزه نساجی، محمود فکری است. مربی‌ای که حقایق را می‌بیند و به جای فرار از آن با مشکلات می‌جنگد. او می‌گوید من با باور نساجی هدایت این تیم را قبول کردم و همان روز اول به بازیکنان گفتم جایگاه شما بالاتر از این است که در آن قرار گرفته اید و تلاش کردیم و جنگیدیم تا اینکه به این جای جدول رسیدیم.

حرف‌های محمود فکری نشان می‌دهد اولین رمز موفقیت نساجی تلاش برای موفقیت بوده. سختکوشی بازیکنان نساجی در بازی‌هایی که این تیم پشت سر گذاشته مشهود است. تا جایی که بعد از بازی برای بازیکنان نساجی نای راه رفتن نیست. به طور حتم که همدلی رمز معجزه نساجی بوده؛ نکته‌ای که بازیکنان نساجی در مصاحبه‌های خود بدان اشاره می‌کنند. در سایه این وحدت محمود فکری بازیکنانش را جنگنده بار آورده. به آن‌ها یاد داده برای به دست آوردن هر یک امتیاز باید دنیایی تلاش کنند و بدوند؛ و در سایه این‌ها از همه مهم‌تر دیدن واقعیت‌هاست. محمود فکری سرمربی نساجی در پایان بازی با سپاهان از تیر دروازه هم تشکر کرد. شاید مربی دیگری جای محمود فکری بود به این موضوع اشاره نمی‌کرد و بیشتر تلاشش بر این بود که برد تیمش را در بوق و کرنا کند. مربی‌ای که واقعیت‌ها را می‌بیند و بدان اشاره می‌کند شانس بیشتری برای برطرف کردن نقاط ضعف تیمش دارد.

نساجی در دورانی که محمود فکری هدایت تیم را برعهده گرفته بعد از پرسپولیس ۱۹ امتیازی بهترین تیم بوده. با کسب ۱۶ امتیاز از ۸ بازی. بدون شک در دو هفته پایانی باز هم می‌توانیم شاهد نتایج خوبی از سوی تیم مازنی باشیم.

حرف‌های یک کارد به استخوان رسیده

اردشیر لارودی

اینکه می‌گویند «کارد به استخوان» رسیده است، یعنی همین! و اینکه می‌گویند «درد به ریشه دندان» زده است هم یعنی همین! در حرف‌های احمد نوراللهی، سرسوزنی نه خودنمایی می‌توان یافت و نه بزرگنمایی یک مشکل و سیاه‌نمایی یک واقعیت! نوراللهی، به‌موقع، سروقت و با مهارت کامل که یک دردشناس می‌تواند از آن برخوردار باشد، به تشریح چند و، چون اوضاع پرسپولیس پرداخته است! درست و به‌موقع! نوراللهی، در ازای «دردشناس» بودنش، برای درمان هم راه حل‌های مناسبی دارد که کاربردی‌اند و باید به‌کار گرفته شوند! نوراللهی، نه به خودش و نه به همبازیان موفق و نتیجه گرفته‌اش، که به پرسپولیس می‌پردازد! به تیمی که مهم‌تر از همه چیز و همه کس است! به تیمی که حق توقف و حد توقف ندارد! دائم به جلو!

پیروزی به نزدیک خط مشی

پرسپولیس در اوج قرار دارد، ولی با آینده‌ای که مواجه شدن با آن توان و قدرت بیشتری می‌طلبد، روبه‌رو هست! پرسپولیس درگیر آینده‌ای که می‌آید هست! پرسپولیس پس از کسب چهارمین عنوان قهرمانی اش، تنهاتر از هر موقع دیگری هست! پرسپولیس را باید از این تنهایی و از این بی‌کسی- در حالی که میلیون‌ها هوادار دارد- درآورد!

پرسپولیس، از آن روزها که پرسپولیس نبود و شاهین بود، درگیر است با همین مسائل که، چون «خوره» به جان ورزش قهرمانی ایران افتاده است و، چون زنجیر، دست و پای هر تیمی را بسته است! زنجیری سنگین از کارنابلدی‌ها! زنجیری سنگین از مسئولیت‌نشناسی‌ها! زنجیری سنگین از اشتباهات کلیدی که باعث شده همیشه با دردهای ماندگار و شدت یابنده درگیر باشیم! و امروز، همه این دردها و بیماری‌های مزمن به یک طرف و سخنان سنجیده و زمان‌سنجی عاقلانه یک بازیکن پرسپولیس به یک طرف!

پرسپولیس و پرسپولیسیان

اینکه می‌گویند پرسپولیس را باید به یک پرسپولیسی- البته صاحب دوراندیشی و صاحب خرد تجربه‌ورزانه- سپرد، در واکنش به‌موقع و نیز سخنان مقبول افتاده نوراللهی، تجلی پیدا می‌کند!

پرسپولیس اگر این بار به جاده خاکی نزند و اگر خود را گرفتار دوستی‌های خاله خرسانه ننماید، پرسپولیس اگر به‌موقع از هشدارهای نوراللهی استفاده کند، از یک معضل و یک دردسر دیرینه خلاص و نجات خواهد یافت!

حرف‌های ساده نوراللهی که در تک‌تک واژه‌ها و کلمات آن دلسوختگی و به ستوه آمدگی مشهود است، شباهت زیادی به حرف‌های همه دارد ولی از جنس گفته‌های تازه‌واردان نوکیسه و صاحبان ژن‌های خوب و آقازادگان و... نیست! این گفتمان مربوط به زمانی است که درد به دندان رسیده و کارد به استخوان خورده است.

استقلال و فرهادیسم، سپاهان و موریانه‌ها

می‌گویند علاج واقعه، قبل از وقوع باید کرد! و می‌گوییم پیشدستی از ضرورت‌های پیروزی است! پرسپولیس در سخنان نوراللهی، به نوعی از حمله به موقع دست یافته است! معلوم نیست که اجازه می‌دهند، استقلال، با افکار تازه اش و راهکاری که خبر از عملگرایی موفقیت‌آمیزی می‌دهد، حرکت کند یا خیر؟ صد البته که استقلال، اگر می‌خواهد تیمی باشد که باید باشد و موظف و مسئول است که باشد، نباید از حرف و سخن حتی پیشکسوتان خود نیز مشوش و دل آشوب شود!

عیب مترتب به شیوه استقلال این است که استراتژیک نیست و اتکای غیرساختارمندی دارد به عملکرد فرهاد مجیدی! چنانچه خوب باشد و آماده پیکار باشد، استقلال هم خوب می‌نماید و یک بازی را- جداافتاده از سایر بازی‌ها- خوب و بلکه خیلی خوب بازی می‌کند! باید که این ویژگی خود بدل به سبک و بدل به روش و شیوه غالب شود! استقلال باید دلایل باخت خود را بشناسد همان‌طور که سپاهان هم پناه ببرد از دست دوستان نوپدید که عامل همه مشکلاتند! دست‌های پشت پرده‌ای که خانگی‌اند!

مقایسه پاداش قهرمانی در فوتبال ایران و جهان

پرسپولیس با وجود شکست یک بر صفر برابر ذوب آهن، به‌عنوان فاتح مسابقات لیگ نوزدهم فوتبال ایران، جمعه‌شب جشن قهرمانی‌اش را برگزار کرد. با کمال تاسف باید گفت در ایران سهم باشگاهی که یک سال زحمت می‌کشد و با رنج و هزینه فراوان خودش را به قله می‌رساند، فقط همین جام فلزی است و به جز آن، هیچ امتیاز ویژه‌ای نصیب تیم قهرمان نخواهد شد. حتی سهمیه صعود به لیگ قهرمانان هم منحصر به تیم اول جدول نیست؛ چرا که تیم قهرمان جام حذفی نیز می‌تواند به طور مستقیم در مرحله گروهی این رقابت‌ها حاضر شود و البته تیم‌های دوم و سوم لیگ نیز از مسیر پلی‌آف چنین بختی خواهند داشت. یکی از مهم‌ترین مسائلی که باید بین تیم اول جدول لیگ و سایر رقبا تفاوت ایجاد کند، بحث پاداش نقدی است؛ یک امر بسیار رایج در جهان فوتبال که در ایران از اساس غایب است! تا کنون هیچ‌گاه در لیگ ایران رسم نبوده که به تیم قهرمان پاداش بدهند. این مساله مسلما از ساختار معیوب اقتصادی این رشته ورزشی در ایران نشأت می‌گیرد. بنابراین تنها انگیزه تیم‌ها برای قهرمانی، داستان «ثبت در تاریخ» است. همین و دیگر هیچ!

بقیه دنیا چه خبر است؟

مسلم است که همه جای دنیا پاداش‌های چشمگیر به تیم‌های قهرمان داده می‌شود و اصلا همین مساله انگیزه رقابت را افزایش می‌دهد. امسال جایزه قهرمانی یوونتوس در لیگ ایتالیا در کنار سهم این تیم از حق پخش تلویزیونی مجموعا حدود ۱۰۰ میلیون یورو تخمین زده شد. در اسپانیا رئال مادرید فقط بابت قهرمانی در لالیگا و بدون در نظر گرفتن سایر عواید، ۶۸ میلیون یورو به جیب زد. در لیگ برتر انگلستان هم جایزه تیم قهرمان حدود ۴۰ میلیون پوند است اما چون در این کشور بخشی از حق پخش تلویزیونی هم بر اساس رتبه تیم‌ها در جدول تقسیم می‌شود، مداخل لیورپول به‌عنوان قهرمان این فصل رقابت‌های لیگ جزیره بیش از ۱۵۰ میلیون پوند تخمین زده می‌شود. صد البته وضعیت ما با اروپا قابل مقایسه نیست، اما اگر بدانید در آسیا هم مثلا ژاپنی‌ها به تیم‌های اول و دوم جی‌لیگ به ترتیب حدود ۱۴ و ۷ میلیون دلار می‌پردازند و در عربستان هم پاداش تیم قهرمان حدود یک‌ونیم میلیون دلار است، وضعیت فرق خواهد کرد. مساله پاداش‌های منظم و چشمگیر در مسابقات بین‌المللی هم کاملا رایج است؛ به طوری که در لیگ قهرمانان اروپا به‌صورت پله به پله شاهد پرداخت پاداش‌هایی از کف ۲۰۰ هزار یورو برای حضور در مرحله گروهی تا ۱۶ میلیون یورو برای کسب عنوان قهرمانی هستیم. در آسیا هم پاداش تیم فاتح لیگ قهرمانان، غیر از پاداش‌های جداگانه مراحل قبلی، چهار میلیون دلار است.

نداریم، نمی‌دهیم

چنان که گفتیم مهم‌ترین دلیل فقدان «پاداش قهرمانی» در لیگ ایران، ساختار معیوب اقتصادی است. در واقع در لیگ ورشکسته ایران درآمدی وجود ندارد که قرار باشد از محل آن به تیم قهرمان پاداش بدهند. یک رکن اصلی کسب درآمد، حق پخش تلویزیونی است که اصلا نباید حرفش را بزنیم، بقیه درآمدهای فدراسیون و سازمان لیگ هم از محل عقد قراردادهای تجاری و تبلیغاتی ناشی می‌شود که اینجا هم باز مشکلات اساسی داریم. وقتی ما بر عکس بسیاری از کشورهای دنیا برای تهیه لباس تیم ملی فوتبال‌مان حتی ناچاریم پول هم بدهیم و وقتی مسئولان اقتصادی سازمان لیگ در وصول رقم قرارداد تبلیغات محیطی هم مشکل دارند، بدیهی است که نباید انتظار یک خزانه پر از پول را داشته باشیم. حالا فکر کنید قرار باشد این دوستان پروژه دشواری مثل اجاره دادن برند لیگ برتر را به سرانجام برسانند...!

تیم قهرمان ضرر می‌دهد

در این شرایط تنها نتیجه اقتصادی قهرمانی در لیگ برای تیمی که فاتح جام می‌شود، زیان مضاعف مالی است. این مساله دلیل کاملا مشخصی دارد؛ در قرارداد بازیکنان قید شده آنها در صورت کسب قهرمانی باید پاداش مضاعف بگیرند و باشگاه در این زمینه متعهد است. بازیکن هم کاری ندارد که فوتبال در ایران سودآور است یا زیانبار. او پولش را می‌خواهد و بالاخره هم می‌گیرد. گفته می‌شود مجموع آپشن‌های موجود در قرارداد امسال بازیکنان و مربیان پرسپولیس برای قهرمانی، حدود ۲۰ میلیارد تومان است. این یعنی جامی که جلال حسینی شامگاه آدینه بالای سر برد، بدون یک ریال سود، حدود ۲۰ میلیارد تومان ضرر روی دست باشگاه پرسپولیس گذاشته است!

بیرانوند گران‌ترین بازیکن تاریخ ایران

علیرضا بیرانوند در گفت و گو با یکی از رسانه ها اعلام کرد در طول چهار سال حضور در پرسپولیس کمتر از شش میلیارد تومان از پرسپولیس دریافت کرده است، اما بیش از پانزده میلیارد برای پرسپولیس درآمدزایی داشته تا این باشگاه در شرایط بحرانی بتواند مطالبات برانکو ایوانکوویچ را بپردازد. دروازه بان جدید تیم آنتورپ بلژیک در بخش دیگری از صحبت های خود می گوید: من تمام وجودم را برای پرسپولیس گذاشتم اما مدیران باشگاه در حق من نامردی کردند. آنها احترام بازیکنی که برای باشگاه زحمت کشیده را نگه نمی‌دارند. سرپرست باشگاه امضای مدیرعامل قبلی را قبول ندارد و درجشن قهرمانی نام همه را صدا زدند، اما خبری از نام من نبود.

آنچه مشخص است علیرضا بیرانوند یکی از گران قیمت ترین بازیکنان لیگ برتر فوتبال ایران در چند سال اخیر و از زمان حضور در باشگاه پرسپولیس بوده است. حتی گفته شد که او دو فصل پیش قراردادی شش میلیارد تومانی و فصل پیش قراردادی هفت میلیارد تومانی با آپشن با پرسپولیس بسته است. سال گذشته اسنادی درباره مبلغ قرارداد بازیکنان پرسپولیس و میزان دریافتی آنها منتشر شد که حاشیه‌های زیادی را به همراه داشت. بر اساس اسناد منتشر شده علیرضا بیرانوند سال گذشته مبلغی در حدود ۴.۵ میلیارد تومان(بدون آپشن) از پرسپولیس دریافتی داشته که این مبلغ او را تبدیل به گرانترین بازیکن ایرانی لیگ کرده است.

با توجه به افزایش دستمزد بیرانوند برای این فصل، گفته می شود قرارداد او در لیگ نوزدهم مبلغی در حدود ۷ میلیارد با آپشن بوده است. علیرضا بیرانوند در شرایطی ایران را ترک کرد که پیش از سفر به بلژیک حسابی از دست مسئولان باشگاه به خاطر شرایط قرارداد خود ناراحت بود. در زمان مدیریت انصاری‌فرد قرار شد یک‌ونیم میلیارد به قرارداد این فصل بیرانوند اضافه شود که رسول پناه سرپرست پرسپولیس با این متمم مخالفت کرد. همچنین او آپشن‌هایی در قراردادش دارد که ۱۰ درصد از قرارداد در صورت حضور در ۶۰درصد بازی‌های این فصل، ۱۰ درصد در صورت صعود پرسپولیس از مرحله گروهی لیگ قهرمانان و ۱۰ درصد هم در صورت قهرمانی سرخپوشان در لیگ برتر به قرارداد بیرانوند اضافه شود. با این حال، گویا مسئولان باشگاه با این ارقام مخالفت کرده‌اند و حاضر نیستند آن را به بیرانوند بپردازند.

اگر چه قرارداد بیرانوند با پرسپولیس تا سال ۱۴۰۰ اعتبار داشت اما ایرج عرب مدیرعامل سابق پرسپولیس ادعا کرده قراردادی به ارزش ۳میلیارد و ۷۵۰ میلیون تومان (بدون آپشن‌ها) برای فصل جاری یک فصل با دروازه‌بان تیمش امضا کرده است. بر اساس این قرارداد، با توجه به قهرمانی پرسپولیس در لیگ، حالا ده درصد از مبلغ پایه قرارداد او به عنوان پاداش به بیرانوند تعلق خواهد گرفت. یعنی ۳۷۵ میلیون تومان. در واقع اگر قرارداد بیرانوند و پرسپولیس در فصل جاری را همان ۷ میلیارد فصل قبل در نظر بگیریم (بیرانوند و وکیلش فکر کرده بودند که امسال با افزایش یک و نیم میلیاردی به قرارداد او موافقت می شود) بیرانوند حدود سه میلیارد و ۲۵۰ میلیون تومان آپشن در قراردادش داشته است.

ادعای بیرانوند و وکیلش این است با توجه به متمم ۱۵ میلیاردی که قرار بوده اضافه شود رقم قرارداد پایه او با پرسپولیس ۳میلیارد و ۷۵۰ میلیون تومان نیست بلکه ۵میلیارد و ۲۵۰ میلیون تومان است و ده درصد پاداش قهرمانی پرسپولیس در لیگ برتر هم باید بر اساس این رقم جدید به او پرداخت شود نه رقم قدیمی. موضوعی که مدیران پرسپولیس آن را قبول ندارند. در واقع بیرانوند دو فصل پیش با آپشن ۶ میلیارد تومان، فصل پیش با آپشن ۷ میلیارد تومان و این فصل هشت و نیم میلیارد تومان(طبق ادعای بیرانوند و وکیلش) قرارداد دارد. البته اینکه کدام آپشن ها به پاداش تبدیل شده هم مساله ای است که باید با توجه به ریزقرارداد بررسی کرد. قهرمانی درلیگ برتر، جام حذفی، سوپرجام، صعود به مراحل مختلف لیگ قهرمانان، تعداد کلین شیت ها، حضور در بازیها، گرفتن پنالتی ها، تعداد بردها و حتی تساوی ها و دیگر مواردی که در قرارداد او وجود دارد همه می تواند رقم آپشن ها را تعیین کند. همچنین بیرانوند پیش از جام جهانی قراردادی پنج ساله با پرسپولیسی ها امضا کرد و پس از درخشش در جام جهانی پیشنهادهایی از تیم های ترکیه ای به او رسید اما ترجیح داد در پرسپولیس بماند. پس از آن قرارداد رسانه اعلام کردندکه قرارداد بیرانوند با پرسپولیس به مدت سه سال ۱۷ میلیارد تومان است اما با متمم و آپشن های قرارداد امسال، بیرانوند ۲۱ و نیم میلیارد تومان، با پرسپولیس قرارداد داشته است. اینکه بیرانوند به خاطر قرارداد با آنتورپ، پرسپولیس را ترک کرده می تواند آپشن ها را کم کند اما ریز و جزییات این قرارداد، باید توسط باشگاه یا وکیل او اعلام شود.

با مقایسه صحبت های امروز علیرضا بیرانوند با آنچه در این مدت رخ داده است و انتشار مبلغ قرارداد بازیکنان پرسپولیس از سوی یکی از اعضای هیئت مدیره که در اختیار یکی از رسانه ها قرار گرفت مشخص می شود که مبلغ دریافتی دروازه بان تیم ملی قطعا عددی بیش از ۶ میلیارد تومان در سه سال بوده است و صحبتهای بیرانوند در این باره که رقمی زیر ۶ میلیارد تومان بوده، عجیب به نظر می رسد.

جنجال اپل‌واچ فرهاد مجیدی!

این موضوع با تقابل اخیر استقلال و سپاهان در لیگ برتر برمی‌گردد. سعید الهویی، مربی سپاهان که در غیاب امیر قلعه‌نویی در نشست خبری قبل از بازی با استقلال شرکت کرده بود، صحبت‌های جالبی را درباره نابرابری در اجرای یک قانون عجیب مطرح کرد. الهویی گفت: «فقط درخواست داریم عدالت اجرا شود. ما برای ارتباط با آنالیزور یا کسی که اطلاعات میزان دوندگی را به ما می‌دهد، از آی‌پد استفاده کردیم که ناظر داوری به ما این اجازه را نداد. در حالی که سایر تیم‌ها از «اپل‌واچ» برای تبادل اطلاعات استفاده می‌کنند. ما می‌خواهیم عدالت در این موضوع هم رعایت شود تا بازی‌های جوانمردانه‌ای ببینیم.»

ممانعت ناظران بازی از به همراه داشتن وسایل ارتباطی الکترونیکی از سوی اعضای کادرفنی، موضوعی است که کم و بیش برای تیم‌های لیگ برتری حل شده است. گرچه این قانون یک قانون کاملاً داخلی است و حتی براساس قوانین ای‌اف‌سی و فیفا هم این موضوع بلامانع است، اما اعضای کادرفنی در لیگ برتر ایران اجازه ندارند که از طریق موبایل، تبلت یا هر وسیله الکترونیکی دیگری با آنالیزورهای خود روی سکوها در ارتباط باشند. این در حالی است که حتی در رقابت‌های آسیایی بارها دیده‌ایم که این امکان فراهم بوده و کادرفنی تیم‌های حریف که به این شکل ارتباط‌ها عادت دارند، به راحتی در طول بازی با استفاده از نرم‌افزارهای پیشرفته آنالیز، تیم حریف را آنالیز می‌کنند و اطلاعات را در لحظه برای کادرفنی روی نیمکت تیم ارسال می‌کنند تا تعویض‌ها و تصمیم‌گیری‌های فنی در طول بازی بر همین اساس انجام شود.

نظیر این اتفاق را هم در بازی سپاهان - السد در ارتباط دستیاران ژاوی با آنالیزورهای تیم دیده‌ایم و هم نظیر آن در تیم ملی کشور خودمان در جام جهانی رخ داد. آنالیزورهای پرتغالی کی‌روش از روی سکوها آنالیزهای لازم را انجام می‌دادند و اطلاعات لازم را در اختیار دستیاران کی‌روش قرار می‌دادند. آیین‌نامه مسابقات اما این امکان را به تیم‌های لیگ برتری نمی‌دهد که این موضوع در نوع خود سؤال جالبی به حساب می‌آید! چرا در شرایطی که در فوتبال حرفه‌ای دنیا از چنین امکانی استفاده می‌شود و کادرفنی از ابزارهای پیشرفته در جهت ارائه فوتبالی با کیفیت‌تر استفاده می‌کنند، قوانین برگزاری مسابقات داخلی ما دست مربیان را برای بالا بردن کیفیت فوتبال بسته است؟ در شرایطی که این قانون به خودی خود بحث‌برانگیز است اما آن‌چه اعتراض مربیانی چون الهویی را در پی داشته این است که چرا همین قانون بحث‌برانگیز در لیگ ایران به صورت عادلانه و برای همه تیم‌ها اجرا نمی‌شود؟ الهویی به خبرنگار ایران ورزشی می‌گوید: «طبق قوانین مسابقات داخلی ما استفاده از تجهیزات الکترونیکی توسط اعضای کادرفنی و افراد حاضر در نیمکت تیم ممنوع است اما چنین قانونی نه از سوی ای‌اف‌سی اعلام شده است و نه فیفا. حتی اگر سازمان لیگ تصمیم گرفته است که استفاده از این ابزار را ممنوع کند، چرا این ممنوعیت برای همه تیم‌ها به صورت یک‌سان رعایت نمی‌شود.»

در گفت‌وگوی ایران ورزشی با یکی از ناظران بازی استقلال داشتیم و از پاسخ‌هایی که به سؤالات ما درباره ممنوعیت اپل‌واچ فرهاد مجیدی داد، متوجه شدیم که اصلاً تصوری مبنی بر امکان برقراری ارتباط از طریق ساعت هوشمند، در ذهن ناظران بازی‌ها وجود ندارد. ناظرانی که معمولاً سن و سالی از آن‌ها گذشته و آشنایی چندانی با تکنولوژی ندارند، تا به حال حتی توجهی به ساعت هوشمند فرهاد مجیدی هم نکرده بودند.

شنیده‌ها اما حاکی از آن است که این ساعت هوشمند، برای سرمربی استقلال چندان هم بی‌فایده نبوده است و او اطلاعات مورد نیاز خود را از فردی خارج از کادرفنی دریافت می‌کند. شخصی که در نیم‌فصل اول رقابت‌ها در لیگ برتر تیم‌داری می‌کرد و زمانی حتی زمزمه اضافه شدن او به کادرفنی استقلال هم مطرح شده بود، حالا از دور و از طریق ابزار الکترونیکی که از چشم ناظران بازی پنهان مانده است، اطلاعات موردنیاز سرمربی استقلال را به او می‌رساند. همین موضوع در رقابت تنگاتنگی که برای رسیدن به سهمیه آسیایی بین تیم‌ها به وجود آمده، حسابی جنجالی شده است و موضوعی است که انتظار می‌رود سازمان لیگ در هفته‌های باقی مانده از رقابت‌ها به آن ورود کند.

اخبار

بازیکن بزرگ- مدیر کوچک

بهروز رسایلی

وقتی حتی صدای احمد نوراللهی هم در می‌آید، معلوم است که دیگرآش خیلی شور شده. این داستان مدیریت باشگاه پرسپولیس است؛ تیمی که ماه‌هاست مدیرعامل ندارد و با ۳ عضو متخاصم هیأت‌مدیره اداره می‌شود. اعتبار این کادر مدیریتی آنقدر نزد هواداران پایین است که بازیکنان و مربیان تیم به راحتی می‌توانند به آنها یورش ببرند و مورد حمایت افکار عمومی قرار بگیرند. حالا حتی احمد نوراللهی هم حسابی شاکی شده و گرد و خاک راه انداخته؛ بازیکنی که شب حضورش در برنامه ۹۰، آنقدر آهسته و ملایم حرف زد که عادل فردوسی‌پور قشنگ دیوانه شده بود! واقعا در باشگاه چه خبر است که صدای صغیر و کبیر درآمده؟

مشکل بزرگ پرسپولیس، دوگانه بازیکن بزرگ- مدیر کوچک است. این بازیکنان ۴ سال است دارند تیم را قهرمان می‌کنند و برای خودشان یک کارنامه عجیب و غریب درست کرده‌اند. بعد وزارت ورزش بالای سر این تیم مدیری گذاشته که هیچ احدالناسی از سوابقش مطلع نیست و حتی جست‌وجوهای اینترنتی هم چیزی دست مخاطب نمی‌دهد. طبیعی است که ضریب فرمان‌برداری در این شرایط کاهش می‌یابد. بازیکنی که ۴ قهرمانی در کارنامه‌اش باشد، نیاز به مدیری دارد که قبلا ۴ جا را آباد کرده است و حرفش خریدار دارد.

وقتی خبر می‌رسد یکی از مدیران میانی باشگاه پرسپولیس به اتهام مسائل مالی بازداشت شده، دیگر چه‌شان و منزلتی برای کادر مدیریتی باشگاه باقی می‌ماند؟ تا به حا به این جنبه از داستان فکر کرده‌اید؟

مهرداد هاشمی قهرمانی پرسپولیس در لیگ نوزدهم را تبریک گفته، اما مهدی رسول‌پناه مانع از پخش این قطعه فیلم در رسانه‌های باشگاه شده است! بعد شما فکر می‌کنید مربی و بازیکنی که این دست مسائل را می‌بیند، برای چنین کادری احترام قائل خواهد شد؟ مگر بچه دبستانی هستید؟

عیار مدیران پرسپولیس را علیرضا بیرانوند به خوبی نشان داد. دروازه‌بان پیشین سرخ‌ها علیه مدیران باشگاه مصاحبه کرد، او را به کمیته انضباطی فراخواندند و بیرانوند کوچک‌ترین توجهی نکرد. فکر می‌کنید واکنش باشگاه چه بود؟ برایش جشن خداحافظی گرفتند و کیک و پیراهن مخصوص سفارش دادند، اما بیرو در همین مراسم هم حاضر نشد. خب این چه احضاری بود و آن‌چه مراسمی؟ اصلا بازیکنی را که فروختید و قسط اولش را گرفتید، با چه مجوزی به کمیته انضباطی احضار می‌کنید؟ بعد شما تصور می‌کنید سایر بازیکنان با تماشای چنین اتفاقاتی، مطیع باشگاه خواهند بود؟

حقیقت آن است که خلعت مدیریت باشگاه پرسپولیس بر تن مدیران فعلی زار می‌زند؛ حتی اگر آنها پول برانکو و کالدرون و بقیه را هم سرموقع بدهند. مدیری که در استوری اینستاگرام سرمربی مثل آب خوردن مورد «هجو» قرار می‌گیرد، کلا اشتباهی است.

۲۰ میلیارد؛ ضرر پرسپولیس از قهرمانی!

پرسپولیس به عنوان فاتح مسابقات لیگ نوزدهم فوتبال ایران، جمعه‌شب جشن قهرمانی‌اش را برگزار کرد و بازیکنان این تیم جام را بالای سر بردند. با کمال تاسف باید گفت در ایران سهم باشگاهی که یک سال زحمت می‌کشد و با رنج و هزینه فراوان خودش را به قله می‌رساند، فقط همین جام فلزی است و به جز آن، هیچ امتیاز ویژه‌ای نصیب تیم قهرمان نخواهد شد. حتی سهمیه صعود به لیگ قهرمانان هم منحصر به تیم اول جدول نیست، چرا که تیم قهرمان جام حذفی نیز می‌تواند به طور مستقیم در مرحله گروهی این رقابت‌ها حاضر شود و البته تیم‌های دوم و سوم لیگ نیز از مسیر پلی‌آف چنین بختی خواهند داشت. یکی از مهم‌ترین مسایلی که باید بین تیم اول جدول لیگ و سایر رقبا تفاوت ایجاد کند، بحث پاداش نقدی است؛ یک امر بسیار رایج در جهان فوتبال که در ایران از اساس غایب است! تا کنون هیچگاه در لیگ ایران رسم نبوده که به تیم قهرمان پاداش بدهند. این مساله مسلما از ساختار معیوب اقتصادی این رشته ورزشی در کشورمان نشأت می‌گیرد. بنابراین تنها انگیزه تیم‌ها برای قهرمانی، داستان «ثبت در تاریخ» است. همین و دیگر هیچ!

مسلم است که همه جای دنیا پاداش‌های چشمگیر به تیم‌های قهران داده می‌شود و اصلا همین مساله انگیزه رقابت را افزایش می‌دهد. امسال جایزه قهرمانی یوونتوس در لیگ ایتالیا در کنار سهم این تیم از حق پخش تلویزیونی مجموعا حدود ۱۰۰ میلیون یورو تخمین زده شد. در اسپانیا رئال مادرید فقط بابت قهرمانی در لالیگا و بدون در نظر گرفتن سایر عواید، ۶۸ میلیون یورو به جیب زد. در لیگ برتر انگلستان هم جایزه تیم قهرمان حدود ۴۰ میلیون پوند است، اما چون در این کشور بخشی از حق پخش تلویزیونی هم بر اساس رتبه تیم‌ها در جدول تقسیم می‌شود، مداخل لیورپول به عنوان قهرمان این فصل رقابت‌های لیگ جزیره بیش از ۱۵۰ میلیون پوند تخمین زده می‌شود. صد البته وضعیت ما با اروپا قابل مقایسه نیست، اما اگر بدانید در آسیا هم مثلا ژاپنی‌ها به تیم‌های اول و دوم جی‌لیگ به ترتیب حدود ۱۴ و ۷میلیون دلار می‌پردازند و در عربستان هم پاداش تیم قهرمان حدود یک‌ونیم میلیون دلار است، وضعیت فرق خواهد کرد. مساله پاداش‌های منظم و چشمگیر در مسابقات بین‌المللی هم کاملا رایج است؛ به طوری که در لیگ قهرمانان اروپا به صورت پله به پله شاهد پرداخت پاداش‌هایی از کف ۲۰۰ هزار یورو برای حضور در مرحله گروهی تا ۱۶ میلیون یورو برای کسب عنوان قهرمانی هستیم. در آسیا هم پاداش تیم فاتح لیگ قهرمانان، غیر از پاداش‌های جداگانه مراحل قبلی، چهار میلیون دلار است.